

تاریخچه استقلال کشور عراق

در شماره دوم امسال قسمت اول این بحث درج شده در ضمن آن به سابقه تاریخی عراق، تمدن قدیم آن، ورود و انتشار اسلام، و حکومت‌های عراق از قرن اول هجری تا قرن حاضر بطور فہرست اشاره نمودیم و قرار شد کہ مختصری ہم راجع بہ تاریخ معاصر عراق، و اوضاع عراق از ابتدای قرن ۱۴ هجری تا امروز بحث کنیم و سپس در باره آخرین اطلاعات مربوط باین سر زمین اسلامی سخن گوئیم :

عراق در قرن چهاردهم هجری.

کفتیم کہ عراق از قرن دہم ہجری، بتدریج از سیطرہ و نفوذ ایران خارج شدہ و بتدریج تحت تصرف کامل حکومت ترکہای عثمانی قرار گرفت و سلطہ و حکومت آنان تا سال ۱۳۳۹ ہجری همچنان ادامہ داشت .

البتہ در طول این مدت (از سال ۹۴۱ تا ۱۳۳۹ هـ) نزاع و گفتگو بین ایرانیہا و عثمانیہا ادامہ داشت، و جنگہای کوچک و مختصری بین آنها در گرفت، ولی در عین حال قدرت و سلطہ کامل از آن حکومت امپراطوری عثمانی بود .

پس در واقع عراق مدت چهار قرن تمام، تحت سلطنت تقریباً تامہ عثمانیہا بود (۱) و با قدرتی کہ امپراطوری عثمانی داشت، فکر ہر گونه استقلالی نخست مفہومی نداشت و بعد کاملاً بی نمر بود. ولی بقول «فریبا اشتارک» در کتاب «اسلام امروز» (۲): در فاصلہ

۱- داربۃ قرون من تاریخ العراق الحدیث، تألیف لونکریت ترجمۃ جعفر خیاط

۲- این کتاب چندین سال پیش توسط «آربری» و «دم کندی» دو نویسنده انگلیسی جمع آوری شدہ و قسمتہای مربوط بہ ہر کشوری را افراد بخصوصی نوشته اند، و ترجمہ فارسی آن است کہ ہنوز چاپ شدہ از آقای دکتر مرتضی اقتصاد است کہ تحت اختیار ما گذشتہ اند.

سالهای ۱۸۶۹ و ۱۸۷۲ میلادی شالوده و بنیان عصر جدید عراق توسط «مدحت پاشا» ریخته شد! سیاستهای بین‌المللی؛ منافع انگلستان در عربستان و ممالک عربی؛ نفوذ آلمان در ترکیه؛ از جمله عواملی بودند که باعث پوی و آمدن عراق جدید شدند. ۴۰.

زیرا سرزمینهایی که جزو قلمرو حکومت امپراطوری عثمانی بودند، در طی دوسه قرن گذشته، هدف استعمار کسران اروپائی واقع شد، و بریتانیا اولین و قدیمی‌ترین دولت استعمارگری است که قدم بمراق گذاشت و نخست «بصره» را در سال ۱۳۳۳ و «بغداد» را در سال ۱۳۳۶ و «موصل» را در سال ۱۳۳۷ تصرف کرد که البته همه اینها مقدمه برای تصرف کامل عراق بود که سرانجام هم عملی شد.

بریتانیا علاوه بر اینکه بدینوسیله به بسیاری از سرزمینهای عربی دست یافت تمام راههای دریائی و زمینی را نیز که ارتباط او را به «هند» نزدیکتر میساخت بدست آورد تا بهتر بتواند از «هند» نیز استفاده کند. ۱۱.

بریتانیا در این راه، با دولتهای استعماری دیگر مبارزه‌ها نمود نخست پرتغالیها و بعد هلندیها و سپس فرانسویها و بعد روسیه و آلمان را از عراق و در واقع از سرزمینهای عربی و شیخ نشین‌های خلیج فارس، که مراکز مهم نفت در خاور میانه و بلکه دنیا، در آنها قرار دارد، دور ساخت و خود حاکم علی‌الاطلاق گردید و علی‌التزاید سیطره و استعمار خود را توسعه و بسط داد... و از کویت گذشته بایران و «آبادان» رسانید (۱)

اهمیت عراق برای بریتانیا باندازه‌ای زیاد بود، که در میان تمام ممالک عربی، عراق تنها کشوری بود که ترکهای عثمانی رسماً از طرف دولت انگلستان بیرون رانده شدند، و بعد از متارکه جنگ هم، انگلستان با وسائلی قیومت خود را بر عراق تحمیل کرد، تا بعداً بتواند حکومتهای دست نشانده و تحمیلی را بر عراق مسلط سازد.

جالب توجه اینجاست که بریتانیا پس از شکست عثمانی، و فتح بغداد، در یک بیانییه رسمی اعلام نمود که: ارتش بریتانیا منظوری جز نجات و آزادی مردم عراق ندارد... و بعد هم با همکاری خود، فرانسه، اعلامیه‌های رسمی دیگری منتشر ساخت که در یکی از آنها میگوید: حکومت بریتانیا و فرانسه، تصمیم گرفته‌اند که حکومتهای ملی برای ملت‌های آزاد شده که در قید ترکها بودند تأسیس شوند، و در این راه اختیارات را به خود ملت واگذار کرده است! (۲)

مردم منتظر نتیجه این وعده‌ها بودند که در سال ۱۹۲۰ میلادی پس از کنفرانس

- ۱- «العراق من الاحتلال حتى الاستقلال»، تألیف عبدالرحمن البزاز ط مصر - ص ۵
 - ۲- تاریخ العراق السیاسی تألیف سید عبدالرزاق حسنی ج ۱ ط ۲ لبنان (صیدا)
- ص ۳۴ و ۹۶ و کتاب الثورة العراقية الکبری ط لبنان ص ۱۴

«هم پیمانان!» در «سان ریمو» اعلام شد که عراق و فلسطین تحت قیمومیت انگلستان و سوریه و لبنان تحت قیمومیت فرانسه درآمدند!

انقلاب ملی در عراق

بعد از انتشار خبر قیمومیت انگلستان و ای. تی. ولسن، انگلیسی هم حاکم عراق شد! ولی مردم عراق در همان سال (۱۹۲۰) مسلحانه علیه استعمار قیام کردند و در این راه تمام هستی خود را از دست دادند.

ولی انقلابیون مسلمان عراق، نتیجه‌ای از این انقلاب گرفتند، و بلافاصله «پرسی کاکس» برای بررسی اوضاع آمد! و در محرم الحرام ۱۳۳۹ هـ یک دولت موقت باشکوه عراقیها تأسیس کرد.

حکومت ائتلافی هم مردم مسلمان را راضی نکرد، زیرا نظر نهایی انگلیسیها این بود که حاکم عراق انگلیسی باشد، و میخواست با صحنه سازیهای خاص خود، این امر در ضمن یک انتخابات ملی و رفراندوم عمومی عملی شود.

عده‌ای از مسلمین بیدار، این موضوع را بعنوان یک «مسئله شرعی» از مرجع تقلید وقت مرحوم آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی سؤال کردند تا تکلیف آنها در قبال این مسئله حیاتی روشن شود.

استفتاء و جواب آن:

متن استفتائی که از مرحوم میرزای شیرازی شد از این قرار بود: «چه میفرماید، بزرگ و ملازما، حجة الاسلام والمسلمین شیخ میرزا محمد تقی حائری شیرازی (متع الله المسلمین بطول بقائه) در وظیفه و تکلیف ما مسلمانان، بعد از آنکه دولت بریتانیا، بما اجازه انتخاب امیر و حاکمی را داده است که در سایه او زندگی کرده و در زیر پرچم او بسر ببریم. آیا جایز است که ما غیر مسلمان را برای امارت و حکومت بر خود، انتخاب کنیم یا واجب است که یک فرد مسلمان را انتخاب کنیم.» مرحوم آیه الله شیرازی بلافاصله در جواب مسئله فتوی داد که:

«هیچ فردی از مسلمانان حق ندارد که یک فرد غیر مسلمان را برای امارت و حکومت بر مسلمین، انتخاب و اختیار کند.

محمد تقی الحائری شیرازی» (۱)

۱ - متن سؤال و جواب در کتاب الثورة العراقية الكبرى ص ۳۱ و تاریخ العراق السياسي الحديث تألیف سید عبدالرزاق حسنی ط لبنان ج ۱ ص ۱۰۷ و ۱۰۸ درج شده است! مراجعه شود.



مقدمات انقلاب بزرگ:

استعمار تصمیم گرفته بود بهر قیمتی که تمام شود، عراق، سرزمین اسلامی را، برای مدت هر چه بیشتر، مستعمره خود سازد، و ملت، و درپیشاپیش آنان علمای بزرگ و مراجع تقلید شیعه هم تصمیم جدی گرفته بودند که تا آخرین نفس، در راه طرد استعمار و عوامل آن بجنگند و مبارزه کنند.

روی همین اصل آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی در ۱۰ رمضان المبارک ۱۳۳۸ هـ اعلامیه زیر را در سراسر عراق منتشر ساخت و از مردم خواست که برای بازیافتن حقوق از دست رفته خود به «تظاهرات» پردازند و آنها را بوحث و اتفاق دعوت کرد تا همه باهم در این مبارزه مقدس شرکت کنند.



خطاب به برادران عراقی ما:

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته. اما بعد

برادران شما در بغداد، کاظمیه، نجف، کربلا و سراسر عراق، تصمیم گرفته اند که دور هم جمع شوند و بتظاهرات آرامی پردازند، وعده زیادی برای این امر بخواسته اند، و با حفظ آرامش و امنیت، حقوق مشروع خود را که انشاء الله منتج باستقلال عراق و بتشکیل حکومت اسلامی خواهد شد مطالبه میکنند.

وراه اساسی این، آنستکه هر استان و ولایتی هیئتی برای مطالبه حقوق ملی، بهم مرکز بفرستند، و همه با آنهائی که از سراسر عراق بزودی در بغداد جمع میشوند، باهم بوده و متحد و متفق باشند.

بر شما و بلکه بر همه مسلمانان واجب و لازم است که در این راه مقدس با برادران خود تشریک مساعی کنید، و هرگز با خلال و آشوب و مبارزه و مشاجره باهمدیگر نپردازید، زیرا این امر موجب تضییع حقوق شما و بر ضرر رهدقها نیست که شما امروز برای بدست گرفتن آن نزدیک شده اید.

من بشما وصیت می کنم که مواظب تمام دسته ها و مذاهب گوناگونی که در وطن شما هستند باشید و هرگز بجان و مال و ناموس آنها تعرض نکنید، و هیچیک از آنها نباید از شما بدی ببینند، خداوند شمارا با آنچه می پسندد موفق سازد، والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
الاحقر محمد تقی الحائری الشیرازی

بدنبال انتشار این بیانیه از طرف مرجع تقلید شیعیان، سراسر عراق بجنبش آمد، و از تمام استانها و ولایات هیئتهائی به بغداد اعزام شد و مردم با انتشار اعلامیه هائی پشتیبانی

کامل خود را از نظر هدف مقدس مرجع تقلید خود، اعلام داشتند و به تظاهرات وسیع و دامنه داری دست زدند.

ولی وقتی دامنه مبارزه توسعه یافت، حاکم انگلیسی به آیه الله شیرازی نامه نوشت که مردم بتظاهرات پرداخته اند و مامی خواهیم جلو آنها را بگیریم! آیه الله حائری در جواب نوشت (۱)

دما از نامه شما تعجب می کنیم که چطور می خواهید بانبرو های انتظامی خود جلو تظاهرات مشروع مردم را بگیرید، و این امر بهیچوجه با اصول عدل و انصاف و منطق سازگار نیست!..

من بشما بارها تذکر دادم و باز می گویم که نظریات اصلاحی ما در امور مملکت بمراتب بهتر و نافعتر از آنستکه لشکر کشی نموده و بقوه جبریه پناه برده شود و اکنون می خواهم بشما بگویم که توسل شما بقوه جبریه در مقابل خواست مردم و هدفهای آنها مخالف عدل و اداره مملکت است و اگر بخواهید ایندقمه هم جلو آنها را بگیرید، سفارش من بملت ، بالخصوص قسمت مربوط به حفظ امنیت و آرامش، لغو خواهد شد و من مردم را بحال خود خواهم گذاشت تا حقوق خود را بگیرند و در این صورت مسؤلیت تمام نتایج سوء قضیه، بمده شما و یاران شماست!

در خاتمه امید دارم که نصیحت من مؤثر افتد، تا آنچه که باعث اخلال نظم و آرامش است اتفاق نیافتد و شما باعث ریخته شدن خون بی گناهان نشوید.

محمد تقی الحائری الشیرازی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- متن نامه مستر بولی حاکم سیاسی انگلیسی در حمله به آیه الله شیرازی و جواب مستم له بتفصیل در کتاب «الثورة العراقية الكبرى» ص ۹۵ و ۹۶ نقل شده است. مراجعه شود.